

A comparison between attachment styles and love styles in couples raised in divorce and normal families

Samira Shahovisi¹, Mahmood Goodarzi², Emad Ad-Din Ezatpour³

1-M.A in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Islamic Azad University of Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran. ORCID:

2-Assistant Professor Family Counseling, Department of Psychology, Islamic Azad University of Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran. ORCID: 0000-0001-7376-9476

3-M.A in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Islamic Azad University of Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran (Corresponding Author). ORCID: 0000-0001-6440-028X

E-mail: emad.ezatpour@gmail.com

Received: 14/04/2019

Accepted: 23/09/2019

Abstract

Introduction: Attachment and love are the styles that have primary relationships in the family environment and are regarded as stable and multi-generational factors.

Aim: The purpose of this study was to determine the comparison between attachment styles and love styles in couples raised in divorce and normal families.

Method: The method of study was causal-comparative. From all couples who were living in Divandareh city, two groups of 50 Couples raised in a divorce family (25 females and 25 males) and 50 Couple raised in a normal family (25 females and 25 males) were selected through available sampling method. The Collins & Reid's (1990) attachment Styles and the Hendrick & Hendrik (1969) love styles Scale were used as tools of investigation. multivariate analysis of variance and Pearson correlation coefficient tests were used for analyzing data.

Results: The results showed that there are significant differences between attachment Styles and love style mean scores in couples raised in divorced and normal families. Generally, mean scores of Safe, avoidant attachment styles and showy, erotic love styles were higher in the couples raised in divorced families than the couples raised in normal families. While, couples raised in normal families gain-ed significantly higher scores in anxious attachment style, romantic, friendly and sacrificial love Styles in comparison to the couples raised in divorced families.

Conclusion: Attachment and love styles play an important role in the family stability and sustainability of this social institution, and this needs to be addressed in prenatal and divorce counseling centers.

Keywords: Attachment styles, Love styles, Families

How to cite this article : Shahovisi S, Goodarzi M, Ezatpour EA. A comparison between attachment styles and love styles in couples raised in divorce and normal families. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019; 6 (4): 80-89 .URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-599-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

مقایسه بین سبک‌های دلبستگی و عشق‌ورزی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی

سمیرا شاه اویسی^۱، محمود گودرزی^۲، عمادالدین عزت پور^۳

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.

۲. استادیار مشاوره خانواده، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران (مؤلف مسئول).

ایمیل: emad.ezatpoor@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

چکیده

مقدمه: دلبستگی و عشق‌ورزی سبک‌هایی هستند که بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید داشته و به‌عنوان عامل پایدار و چند نسلی تلقی می‌شوند.

هدف: مطالعه حاضر با هدف تعیین تفاوت سبک‌های دلبستگی و عشق‌ورزی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق و عادی انجام گردید.

روش: مطالعه حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. از بین جامعه آماری پژوهش حاضر که شامل کلیه زوج‌های ساکن شهر دیواندره بودند، ۵۰ زوج بزرگ شده در خانواده طلاق (۲۵ زن و ۲۵ مرد) و ۵۰ زوج بزرگ شده در خانواده عادی (۲۵ زن و ۲۵ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان دو گروه مورد مطالعه انتخاب شدند. آزمون سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و مقیاس سبک‌های عشق‌ورزی هندریک و هندریک (۱۹۹۶) به عنوان ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات سبک‌های دلبستگی و عشق‌ورزی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به طوری که میانگین نمرات زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق در سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و سبک‌های عشق‌ورزی بازیگرانه و شهوانی بیشتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های عادی بود؛ اما میانگین نمرات زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های عادی در سبک دلبستگی اضطرابی، سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه و فداکارانه در مقایسه با زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق به طور معناداری بیشتر بود.

نتیجه‌گیری: سبک‌های دلبستگی و عشق‌ورزی نقش مهمی در ثبات خانواده و پایداری این نهاد اجتماعی دارند و این موضوع ایجاب می‌کند در مراکز مشاوره پیش از ازدواج و طلاق توجه بیشتری به آن معطوف شود.

کلیدواژه: سبک‌های دلبستگی، سبک‌های عشق‌ورزی، خانواده

مقدمه

به اعتقاد بالبی^۶ (۱۹۸۰) رفتارهای دلبستگی ذاتی بوده و بقاء نوع را موجب می‌گردند؛ زیرا آن‌ها سازگاری با محیط را ممکن می‌سازند. چهره‌های دلبستگی به کودک اجازه می‌دهند تا از یک پایگاه امن، به کشف و جستجو پردازد، در زمان مواجهه با تهدیدها امنیت کودک را تأمین می‌کنند و به او اجازه می‌دهند تا تنظیم سطوح استرس خود را یاد بگیرد. تصور می‌شود که رفتارهای دلبستگی نوعی از رفتار هستند که منجر به کسب یا حفظ نزدیکی به دیگران متمایز و ترجیحی فرد می‌شوند. رفتارهای دلبستگی در بقای فرد از طریق نگاه داشتن او در تماس با مراقبان سهیم بوده و از این طریق ریسک آسیب را کاهش می‌دهند (استام^۷، ۲۰۱۷).

بر اساس این نظریه، سبک‌های دلبستگی می‌توانند امن، ناامن-دوسوگرا، یا ناامن-اجتنابی باشند و رشد کودک و توانایی برقراری ارتباط در طول زندگی را تحت تأثیر قرار دهند. در واقع این سه سبک در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته‌اند (هازان و شاور^۸، ۱۹۸۷). میکولینکر و فلوریان^۹ (۲۰۰۰) دلبستگی ایمن را به صورت یک منبع درونی توصیف کرده‌اند که می‌تواند به شخص کمک کند تا تجارب استرس‌زا را به صورت مثبت ارزیابی کند، با رویدادهای استرس‌زا به صورت سازنده مقابله کند و بهزیستی و سازگاری خود را بهبود بخشد. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی دیدگاه بدبینانه تری نسبت به روابط، خودشان و دیگران داشته و افراد دارای سبک اضطرابی-دوسوگرا دیدگاه منفی نسبت به خود دارند (آدامسزیک^{۱۰}، ۲۰۱۶).

خانواده به لحاظ قدرت و از نظر گستردگی جهان‌شمول‌ترین سازمان و یا نهاد اجتماعی است. این امر نشان می‌دهد که خانواده واجد ارزش بقایی بسیار مهمی برای فرد و نوع انسان است (مظاهری، حیدری و پوراعتقاد، ۱۳۸۴)؛ اما در جوامع مختلف و نیز در جامعه خود، شاهد بسیاری از ناسازگاری‌های خانوادگی و از هم پاشیدگی خانواده‌ها هستیم. مهم‌ترین عوامل ایجاد این ناسازگاری‌ها، عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و در نتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع‌بینانه از یکدیگر است (ایزورا و کوپه^۱، ۲۰۱۹).

نظر به اهمیت نقش خانواده در جامعه و تربیت و پرورش کودکان، لازم است چگونگی روابط زوجین و احساسات آنان نسبت به یکدیگر، سبک دلبستگی^۲ و سبک عشق‌ورزی^۳ آنان مورد بررسی قرار گیرد.

از جمله مفاهیمی که رابطه بین والدین و فرزندان را به خوبی بیان می‌کند، دلبستگی است. مفهوم دلبستگی بیانگر ارزش و قدرت پایداری روابط بین کودکان و والدین آن‌ها، چگونگی شکل‌گیری و چگونگی کیفیت این روابط است که می‌تواند سلامت رشد کودکان را تحت تأثیر قرار دهد (اروزکان^۴، ۲۰۰۹) و تا بزرگسالی ادامه یابد. بر اساس نظریه دلبستگی ساختارهای شناختی یا الگوهای عملی رشد یافته در افراد، حدی را که آن‌ها می‌تواند به افراد مهم زندگی‌شان تکیه کنند را بازنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد که این الگوهای عمل، نقش حساسی را در روابط افراد بر عهده دارند (اوزتورک و موتلو^۵، ۲۰۱۰).

6. Bowlby

7. Stamm

8. Hazan & Shaver

9. Mikulincer & Florian

10. Adamczyk

1. Izuhara & Köppe

2. Attachment Style

3. Love style

4. Erozkhan

5. Öztürk, A., & Mutlu

ارتباط مناسب با همسر است. عشق بین زوجین و کیفیت آن در پژوهش‌های متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است و صاحب‌نظران بسیاری به آن پرداخته‌اند (ویدس^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج به دست آمده نشان داده‌اند که عشق رابطه مستحکمی با رضایت زناشویی دارد و یکی از عوامل بسیار مهم در دستیابی به رضایت زناشویی عشق است. در همین راستا موراریو و تیورایوس^۴ (۲۰۱۲) عشق رمانتیک را پیش‌بینی کننده رضایتمندی زناشویی یافتند.

با توجه به مطالب ذکر شده در این پژوهش سبک‌های دلبستگی و عشق‌ورزی به عنوان عوامل کلیدی در رشد شناختی-عاطفی زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی مقایسه شده است.

روش

مطالعه حاضر از لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی و از لحاظ روش یک تحقیق علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوج‌های ساکن شهرستان دیواندره در سال ۱۳۹۷ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۰۰ نفر از ۵۰ زوج بزرگ شده در خانواده طلاق (۲۵ زن و ۲۵ مرد) و ۵۰ زوج بزرگ شده در خانواده عادی (۲۵ زن و ۲۵ مرد) انتخاب شدند. مهم‌ترین ملاک‌های ورود در این پژوهش، مشارکت یکی از زوجین عادی یا طلاق در پژوهش، نداشتن اختلالات روان‌پزشکی (نوروتیک و سایکوتیک) و حداقل برخورداری از سطح تحصیلات سیکل به شمار می‌رفت و مهم‌ترین ملاک‌های خروج آنان عدم مشارکت یکی از زوجین در پژوهش و نداشتن حداقل سواد جهت تکمیل پرسشنامه‌ها بود.

ابزار

از مشهورترین پژوهش‌ها در این زمینه پژوهش‌های هازن و شاور (۱۹۸۷) و اینسورث (۱۹۹۱) است که با الهام از نظریه بالبی در مورد ماهیت پیوندهای عاطفی، نقش دلبستگی‌های متقابل بزرگ‌سالان را در روابط زوج‌ها بررسی کردند. نتایج نشان داد که مشخصه‌های پیوند عاطفی بین زوج‌ها با مشخصه‌های پیوندهای عاطفی کودک-مادر قابل مقایسه است و سبک‌های شناخته شده دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا، افکار و احساسات و رفتار آنان را در روابط زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهد (مالاچ پینز^۱، ۲۰۰۵).

عشق و سبک‌های عشق‌ورزی عامل مؤثری بر کیفیت روابط زناشویی است (حسینی و علوی، ۱۳۹۶). عشق یک حالت روان‌شناختی است که طی سه دهه اخیر مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی واقع شده است و پژوهش‌های علمی در مورد تأثیر آن بر زندگی صورت گرفته است. درباره ماهیت روان‌شناختی عشق و ترکیبات آن دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. مزلو^۲ (۱۹۸۷) عقیده دارد که عشق حاصل ارضای نیازهای متقابل است. تا زمانی که زوج‌ها در کاسه زندگی مشترک خود به طور متقابل غسل می‌ریزند، زندگی شیرین خواهد شد. گلاسر و ویلیام (۲۰۰۰) عقیده دارند عشق فرآیندی است که خود زوج‌ها به وجود می‌آورند. تا زمانی که زوج‌ها هر دو خود را متعهد به ادامه رابطه بدانند و دارای این اعتقاد باشند که عشق چیزی است که خودشان انتخاب کرده‌اند، رابطه عاشقانه ادامه خواهد یافت.

یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده پویایی‌های روابط زناشویی وجود عشق و کیفیت آن است (حفاظی طریقه، فیروزآبادی و حق‌شناس، ۱۳۸۵). از موارد مدنظر هر زوجی در ازدواج، داشتن رابطه‌ی عاشقانه و

³. Vedes

⁴. Muraru & Turliuc

¹. Malach-Pines

². Maslow

بنابراین، برای این مقیاس نمره کلی محاسبه نمی‌شود و هر فرد دارای ۶ نمره در ۶ خرده مقیاس است. ساختار عاملی این پرسشنامه در جامعه ایرانی توسط بیات (۱۳۸۷) بررسی و ساختار ۶ عاملی آن تأیید شده است. هندریک و هندریک ضریب همسانی درونی این مقیاس را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی خرده مقیاس‌های این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای خرده مقیاس‌های عشق فداکارانه ۰/۹۶، بازیگرانه ۰/۷۷، شهوانی ۰/۷۰، واقع‌گرایانه ۰/۶۷، دوستانه ۰/۶۶ و رمانتیک ۰/۷۷ استفاده گردید.

شیوه اجرای پژوهش حاضر به صورت انفرادی و در محل سکونت آزمودنی‌ها بود، به طوری که بعد از دسترسی به نمونه تحقیق و برقراری ارتباط با آن‌ها، پرسش‌نامه‌های سبک‌های دل‌بستگی و عشق‌ورزی در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت تا با مطالعه آن‌ها به تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام نمایند. لازم به ذکر است که جمع‌آوری اطلاعات به وسیله نگارنده پژوهش صورت گرفت.

سرانجام داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل آماری علاوه بر استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد، برای استنباط آماری از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. ضمناً جهت رعایت پیش فرض‌های آزمون تحلیل واریانس، از آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف تک نمونه‌ای برای فرض نرمال بودن جامعه آماری، آزمون لوین و آزمون باکس برای فرض همگنی واریانس‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است: پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی^۱؛ این مقیاس ابتدا توسط کالینز و رید (۱۹۹۰) تهیه شد که مشتمل بر ۱۸ گویه است که پاسخ دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. آزمودنی‌ها بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در یکی از سه گروه دارای سبک دل‌بستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاک‌دامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دو دبیرستان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودن اجرا گردید. نتایج حاصل از اجرای دوباره این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است.

پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی: مقیاس سبک‌های عشق‌ورزی توسط هندریک و هندریک (۱۹۸۶) از پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی لی (۱۹۷۳) استخراج شده است. این مقیاس دارای ۴۲ گویه و ۶ خرده مقیاس است و هر خرده مقیاس دارای ۷ ماده است. این مقیاس شش حالت عشق اروس (عشق احساساتی)، لودوس (عشق بازیگرانه)، پراگما (عشق منطقی)، استورگ (عشق دوستانه)، مانیا (عشق افراطی) و آگاپه (ایثارگرانه) را ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری این پرسشنامه به شکل لیکرت از ۱=کاملاً موافقم تا ۵=کاملاً مخالفم است. نمره‌های پایین‌تر در هر خرده مقیاس نشان‌دهنده میزان گرایش فرد به آن سبک است؛

^۱. RAAS

یافته‌های جمعیت شناختی مطالعه نشان داد ۴۴ درصد از شرکت‌کنندگان زن و ۵۶ درصد آنان مردان بودند. از نظر سنی بیشتر آزمودنی‌ها در دامنه بین ۲۶ تا ۳۰ سال و از لحاظ میزان تحصیلات بیشتر آنان در سطح ابتدایی قرار داشتند.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه سبک‌های دلبستگی در دو گروه زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی

سبک	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک دلبستگی ایمن	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۶/۷	۲/۵	۱۲	۲۲
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۵/۸	۲/۸	۱۰	۲۳
سبک دلبستگی اجتنابی	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۷/۱	۱/۹	۱۲	۲۱
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۶/۵	۲/۶	۱۰	۲۴
سبک دلبستگی اضطرابی	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۵/۹	۲/۹	۱۱	۲۱
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۸/۱	۳/۶	۱۰	۲۵

و میانگین سبک دلبستگی اضطرابی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی (۱۸/۱) بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق (۱۵/۹) است.

نتایج جدول ۱ نشانگر آن است که به‌طور کلی میانگین سبک‌های دلبستگی ایمن (۱۶/۷) و اجتنابی (۱۷/۱) در زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی است.

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی نمرات پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی در دو گروه زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی

سبک	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک عشق‌ورزی رمانتیک	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۱/۷	۲/۶	۴	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۲/۸	۲/۲	۸	۱۶
سبک عشق‌ورزی بازیگرانه	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۱/۶	۲/۴	۶	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۱/۱	۲/۲	۷	۱۶
سبک عشق‌ورزی دوستانه	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۱	۲/۸	۶	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۲/۴	۲/۸	۶	۱۶
سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۲/۲	۱/۹	۷	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۲/۲	۱/۹	۶	۱۶
سبک عشق‌ورزی شهوانی	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۲	۲/۴	۷	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۱/۷	۲/۲	۷	۱۵
سبک عشق‌ورزی فداکارانه	زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق	۱۰	۲/۳	۷	۱۶
	زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی	۱۱/۷	۳/۵	۶	۱۶

دوستانه (۱۲/۴) و فداکارانه (۱۱/۷) در زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی بالاتر از زوج‌های

نتایج جدول ۲ نشانگر آن است که به‌طور کلی میانگین سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک (۱۲/۸)،

معنادار نیست ($P=0/359$ و $F=1/08$ و $BOX=24/3$) و در نتیجه پیش فرض تفاوت بین کواریانس‌ها برقرار است.

همچنین با بررسی آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیری (کل) بر روی نمرات سبک‌های دل‌بستگی و عشق‌ورزی، نتایج نشان داد سطوح معناداری همه آزمون‌ها (اثر پیلایی، لامبدا ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه خط) قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری را مجاز می‌شمارد. بدین گونه در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد.

بزرگ شده در خانواده طلاق است و میانگین سبک-های عشق‌ورزی بازیگرانه (۱۱/۶) و شهوانی (۱۲) در زوج‌های بزرگ‌شده در خانواده طلاق بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی است.

جهت بررسی همسانی واریانس‌ها بین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون لوین استفاده شد و نتایج نشان داد سطح آماره (F) برای هیچ یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر معنادار نیست ($P>0/05$) و این نشان‌دهنده آن است که واریانس خطای این متغیرها در بین آزمودنی‌ها (خانواده طلاق و عادی) متفاوت نیست و واریانس‌ها با هم برابرند.

برای بررسی فرض همگنی کواریانس‌ها از آزمون باکس استفاده شد و نتایج نشان داد که مقدار باکس

جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس دوطرفه بین آزمودنی‌ها

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
سبک رمانتیک	۳۳/۶	۱	۳۳/۶	۵/۶	۰/۰۱۹
سبک بازیگرانه	۷/۲	۱	۷/۲	۱/۳	۰/۲۴۸
سبک دوستانه	۵۴/۷	۱	۵۴/۷	۶/۷	۰/۰۱۱
سبک واقع‌گرایانه	۰/۰۱	۱	۰/۰۱	۰/۰	۰/۹۵۹
سبک شهوانی	۲/۵	۱	۲/۵	۰/۴	۰/۴۹۲
سبک فداکارانه	۷۲/۲	۱	۷۲/۲	۸/۱	۰/۰۰۵
سبک ایمن	۲۴	۱	۲۴	۳/۲	۰/۰۷۳
سبک اجتنابی	۱۰/۲	۱	۱۰/۲	۱/۸	۰/۱۷۴
سبک اضطرابی	۱۱۸/۸	۱	۱۱۸/۸	۱۰/۷	۰/۰۰۱

دل‌بستگی ایمن و سبک دل‌بستگی اجتنابی تفاوت معناداری وجود ندارد ($p>0/01$).

بحث

هدف مطالعه حاضر مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و عشق‌ورزی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک دل‌بستگی در میان زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. به این

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سبک عشق‌ورزی رمانتیک، سبک عشق‌ورزی دوستانه، سبک عشق‌ورزی فداکارانه و سبک دل‌بستگی اضطرابی در میان زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد ($p<0/01$)؛ اما بین زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی از لحاظ سبک عشق‌ورزی بازیگرانه، سبک عشق‌ورزی واقع‌گرایانه، سبک عشق‌ورزی شهوانی، سبک

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که بین سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه و فداکارانه در میان زوج‌های بزرگ شده در خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. به این صورت که میانگین سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه و فداکارانه در زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق است اما میانگین سبک‌های عشق‌ورزی بازیگرانه و شهوانی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی است.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقات هدایتی دانا و صابری (۱۳۹۳)، امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱)، سانتوس^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، استانیس^۵ (۲۰۱۶) و لوین، آن و پارک^۶ (۲۰۰۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت عشق و روابط عاشقانه، جزئی لاینفک از ذهن و زندگی بشر امروز است. لذا برای داشتن رابطه سالم، صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقتی احساسات نزدیک هیجانی و محبت بین همسران ابراز می‌شود، با افزایش زمان باهم بودن می‌تواند به ایجاد صمیمیت بیانجامد و هنگامی که صمیمیت در رابطه وجود دارد، رابطه تقویت می‌گردد. اما زمانی که ارتباط به صورت تدافعی، سرد و بی‌احساس باشد، رابطه تضعیف می‌گردد. نتایج پژوهش هدایتی دانا و صابری (۱۳۹۲) نشان داد که از میان عشق و سبک‌های آن مؤلفه‌های صمیمیت و تعهد بیشترین سهم را در رضایت زناشویی داشتند اما متغیر میل (شور و شوق) پیش‌بینی معناداری برای رضایت زناشویی نبود. همچنین امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان زن

صورت که میانگین سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی در زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق بالاتر از زوج‌های بزرگ شده در خانواده عادی است.

با نگاهی به ادبیات پژوهش ملاحظه می‌گردد که این یافته با نتایج پژوهش‌های متعددی همچون امان‌الهی و همکاران (۲۰۱۲)، جونز و همکاران (۲۰۱۸)، دیاموند، برمهال و الوت^۱ (۲۰۱۸)، پدرو، ریبرو و شلتون^۲ (۲۰۱۵) مطابقت دارد. سبک دلبستگی ایمن فضایی مطمئن همراه با امنیت را برای افراد ایجاد می‌کند که در آن به تعامل پردازند و همچنین از طرفی دیگر کارکرد خانوادگی بهتر نیازمند اعتماد و امنیت افراد در روابط با همدیگر است. افراد با سبک دلبستگی ایمن می‌توانند هم در نقش‌های ولی-فرزندی و هم در ارتباطات و کاهش تعارضات خانوادگی و هم در سایر ابعاد کارکرد خانوادگی موفق‌تر باشند. همچنین هینن، ساندرمن و اسپراگر^۳ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روابط و تجربیات اولیه به شکل دلبستگی بر تجربیات زندگی بعدی تأثیر می‌گذارد. این محققان دریافتند که افرادی که سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) داشتند، میزان بالایی از طرد توسط والدین، میزان پایینی از حمایت خانوادگی و میزان پایینی از هماهنگی و گرمی در کانون خانواده را گزارش دادند. به نظر محققان، افراد با سبک‌های دلبستگی ناایمن در خانواده‌هایی با مشکلات کارکردی زیاد رشد می‌یابند و در سال‌های بعدی که خود این افراد در کارکرد خانواده تأثیر گذار هستند، بر مشکلات کارکردی دامن می‌زنند و نه تنها تأثیری مثبت در فرایند کارکرد خانواده ایجاد نمی‌کنند، بلکه بر تنوع و دامنه مشکلات خانواده اضافه می‌کنند.

⁴. Santos

⁵. Stanish

⁶. Levine, Aune & Park

¹. Diamond, Brimhall & Elliott

². Pedro, Ribeiro & Shelton

³. Hinnen, Sanderman & Sprangers

- Amanelahi A, Aslani K, Tashakor H, Ghavabesh S, Nekoei S. (2012). Romantic Attachment/Love Styles and Marital Satisfaction in Women: Investigating the Relationship. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(3), 67-86. [In Persian].
- Bowlby J. (1980). *Loss: Sadness and depression. Attachment and loss*, Vol. 3.
- Diamond RM, Brimhall AS, & Elliott M. (2018). Attachment and relationship satisfaction among first married, remarried, and post-divorce relationships. *Journal of Family Therapy*, 40, S111-S127.
- Erozkan A. (2009). The relationship between attachment styles and social anxiety: An investigation with Turkish university students. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 37(6), 835-844.
- William G. (2000). *Counseling with Choice Theory, The New Reality Therapy*.
- Hedayati dana S, & Sabri H. (2014). Predicting Marital Satisfaction Based on Love Styles (Intimacy, Desire, Commitment) and Anxiety. *Family Studies*, 40, 527-511. [In Persian]
- Hefazi Torqabeh M, Firouz Abadi A, & Haqshenas H. (2006). Relations between love styles and marital satisfaction. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 16(54), 99-109. [In Persian]
- Hazan C, & Shaver PR. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(51), 1-524.
- Hinnen C, Sanderman R, & Sprangers MA. (2009). Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction with life. *Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice*, 16(1), 10-21.
- Hosseini F, Alavi Langeroodi S. (2017). The role of attachment styles and marital satisfaction on sexual satisfaction through the mediation of love among married. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(3), 165-188. [In Persian]
- Izuhara M, & Koppe S. (2019). Inheritance and family conflicts: exploring asset transfers

متأهل پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن، سبک‌های عشق اروس، استورگ، پراگما و اگیپ با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. سبک‌های دلبستگی پریشان و گسسته و سبک‌های عشق لودوس و مانیا با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که سبک‌های دلبستگی و سبک‌های عشق‌ورزی وابسته به فرهنگ و ارزش‌های مذهبی در هر جامعه‌ای است لذا لازم است چنین پژوهش‌هایی در سایر جوامع اجرا شود تا بتوان با اعتماد و اطمینان بیشتری به نتایج حاصله استناد کرد. از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم دسترسی راحت به زوج‌های بزرگ شده در خانواده طلاق و همچنین یک دست نبودن آزمودنی‌ها از لحاظ سن، جنس و تحصیلات اشاره کرد.

در راستای نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود که با برگزاری جلسات و کارگاه‌های آموزشی بتوان زمینه را برای ازدواج پایدار فراهم نمود. لذا مسئولان امر می‌توانند با بهره‌گیری از مراکز مشاوره اقدام به آموزش صحیح زوجین جهت کاهش مشکلات آنان نمایند و الگوهای درست با هدف توقف رشد نرخ طلاق ارائه دهند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از کارکنان اداره بهزیستی و عوامل اجرایی مرکز مشاوره آوای سلامت شهرستان دیواندره که با ما کمال همکاری را داشتند، تشکر می‌نمایم.

References

- Adamczyk M. (2016). Attachment styles and adolescent's psychosocial functioning-case studies. *Psychoterapia*, (3), 89-102.

- shaping intergenerational relations. *Families, Relationships and Societies*, 8(1), 53-72.
- Jones JD, Fraley RC, Ehrlich KB, Stern JA, Lejuez CW, Shaver PR, & Cassidy J. (2018). Stability of attachment style in adolescence: An empirical test of alternative developmental processes. *Child development*, 89(3), 871-880.
- Levine TR, Aune KS, & Park HS. (2006). Love styles and communication in relationships: Partner preferences, initiation, and intensification. *Communication Quarterly*, 54(4), 465-486.
- Malach-Pines A. (2005). *Falling in Love-why We Choose the Lovers We Choose*. Taylor & Francis Limited.
- Maslow A. (1987). *Motivation and Personality* (A. Rezvani Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi [in Persian].
- Mazaheri M, Haydari M, & Pour Etemad H. (2005). Comparison of Mental Health in Student Marriage Couples and Normal Couples. *Psychology Journal*, 7(1), 36-49. [In Persian]
- Mikulincer M, & Florian V. (2000). Exploring individual differences in reactions to mortality salience: Does attachment style regulate terror management mechanisms?. *Journal of personality and social psychology*, 79(2), 260.
- Muraru AA, & Turluc MN. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 90-94.
- Ozturk A, & Mutlu T. (2010). The relationship between attachment style, subjective well-being, happiness and social anxiety among university students'. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 1772-1776.
- Pedro MF, Ribeiro T, & Shelton KH. (2015). Romantic attachment and family functioning: The mediating role of marital satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, 24(11), 3482-3495.
- Santos S, Crespo C, Canavarró MC, & Kazak AE. (2017). Parents' romantic attachment predicts family ritual meaning and family cohesion among parents and their children with cancer. *Journal of pediatric psychology*, 42(1), 114-124.
- Stamm BM. (2017). *Developmental theory joining depth psychological theory: From disrupted attachment to ensouled living*. Pacifica Graduate Institute.
- Stanish NA. (2016). *Family structures as predictors of attachment security: The relationship between parental attachment security and romantic attachment security in stepfamilies and intact families* (Doctoral dissertation, Purdue University).
- Vedes A, Hilpert P, Nussbeck FW, Randall AK, Bodenmann G, & Lind WR. (2016). Love styles, coping, and relationship satisfaction: A dyadic approach. *Personal Relationships*, 23(1), 84-97.